فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، ص ص۲۷-۱

مؤلفه‌های مذهبی استقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران و تأثیر آن در رابطه با آمریکا

سیدجواد امام جمعه‌زاده[1]
دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
علی ابراهیمی[2]
دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
مریم مسعودی‌نیا[3]
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۹
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۲۵

چکیده

شناخت ارزش‌ها و ویژگی‌های موجود در فرهنگ ملی هر کشوری، از آن جهت که در تکوین هویت آن کشور و استمرار آن نقش مهمی دارد، بسیار ضروری است. از این حیث، جمهوری اسلامی ایران نیز دارای جنبه‌های خاصی از فرهنگ عمومی و ملی است که حاصل تجربه تاریخی ملت در برخورد با حوادث و پدیده‌های سیاسی آن می‌باشد؛ فرهنگی که در اغلب موارد چالش‌هایی را فراروی کشورها، به‌ویژه کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا قرار می‌دهد که از طریق ابزار تحریم اقتصادی، خواسته‌های نامشروعی را در قبال برنامه هسته‌ای ایران دنبال می‌کنند. نوشتار حاضر ضمن تمهید پشتوانه نظری مبتنی بر محرومیت نسبی و هویت در مقام پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه عواملی طی سال‌های اخیر موجب شده است تا جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم فشارهای اقتصادی حاصل از تحریم، همچنان در قبال ادامه فعالیت هسته‌ای خود پافشاری کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و گردآوری اطلاعات به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات تخصصی و اینترنت بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مذهبی استقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران باعث گردیده تا نظام جمهوری اسلامی ایران بر حقوق خود به‌ویژه در زمینه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای با در نظر گرفتن مسائل راهبردی برای نسل‌های آینده مبادرت ورزد و اثرات سوء تحریم را به خوداتکایی بیشتر و تأثیرگذاری افزون‌تر در سطح نظام بین‌الملل تبدیل کند.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، برنامه هسته‌ای، محرومیت نسبی، فرهنگ ملی، تحریم اقتصادی، آمریکا.

1. javademam@yahoo.com
2. a_ebrahimia@yahoo.com
3. m_masodinia@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

مقدمه

نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه از عمر آن می‌گذرد، بیان‌گر آن است که سطح روابط بین ایران وآمریکا به‌واسطه ماهیت حاکم بر فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران، از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک در نوسان بوده است. طی این سال‌ها، ایالات متحده از حربه‌های گوناگون و بهانه‌های مختلف برای حضور در منطقه و اعمال نفوذ در ایران بهره برده و اعمال تحریم‌های اقتصادی که بخشی از رویارویی بین غرب و ایران بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است، در این جهت مورد استفاده قرار گرفته است. بی‌شک اعمال تحریم‌ها تأثیراتی بر اقتصاد ایران به‌ویژه در بخش‌های انرژی و سرمایه‌گذاری جدید داشته و با توجه به اقتصاد تک‌محصولی جمهوری اسلامی ایران در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، نوسانات نرخ ارز و قیمت نفت و در نتیجه تورم و کاهش ارزش ریال هزینه‌هایی را بر کشور تحمیل کرده است. با این وجود، رفتار سیاسی مردم ایران در طول برهه‌های تاریخی که در بستر یک فرهنگ سیاسی متشکل از عقاید، نمادها و ارزش‌های ملی و اسلامی به‌عمل سیاسی مبادرت می‌کند، هرگونه تلاش دولت‌های بیگانه را در جهت اعمال فشار و عقب‌نشینی از مواضع ملی و دینی خنثی نموده است.

عموماً استدلال می‌شود فرهنگ ملی یکی از عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری خارجی محسوب می‌شود؛ به‌طوری که می‌توان گفت تأثیر بر سیاست‌گذاری خارجی از طریق تأثیر ابزارهای فرهنگی بر رفتار نخبگان و یا کارگزاران حکومتی، جهت نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تأثیرگذاری است (دهقانی،۱۳۹۱: ۱۶). از این منظر، هر نظام سیاسی به‌صورت یک شبکه ارزشی عمل می‌کند که در آن قدرت را با ارزش‌ها پیوند می‌دهد؛ تا آنجا که می‌توان گفت محیطِ نظام ارزشی است که جهت‌گیری‌های مردم را نسبت به نهادها و ساختارها تعیین می‌کند و عملکردهای سیاسی نیز فرهنگ سیاسی جامعه را نشان می‌دهد. بنابراین، مطالعه دقیق فرهنگ سیاسی، فرآیند تبدیل تقاضاها و خواست‌ها را به سیاست خارجی، استراتژی‌ها، هدف‌ها و منافع ملی مشخص می‌کند (قوام، ۱۳۸۶: ۲۷۵). از این‌رو، رفتار سیاسی خاص هر جامعه در بستر فرهنگ سیاسی همان جامعه شکل می‌گیرد که آن نیز محصول تاریخ نظام سیاسی و همچنین اعضای منفرد آن با ریشه‌ای روانشناختی است. این مسئله می‌تواند در نوع برداشت کارگزاران حکومتی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۲
سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

از هویـــت خود و اجرای نیات آنان تأثیرگذار باشـــد و در نتیجه، در سیاســـت خارجی آن کشـــور نیز در قالب تصور هر کشـــور از نقش خود و یا ایفای اجرای نقش دولت‌ها نمود خارجی پیدا کند. بنابراین، دولتی که در نظام بین‌الملل دارای یک سیاست سازش‌ناپذیر و غیرانطباق‌گرایانه در یک حوزه موضوعی خاص است، هم در کنش رفتاری و هم در کنش گفتاری تحت تأثیر فرهنگ ملی آن کشـــور قرار می‌گیرد. این موضوع چالش‌های نظری‌ای را برمی‌انگیزد و در این راستا، بررسی علت پافشاری جمهوری اسلامی ایران در قبال برنامه هسته‌ای با توجه به موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک این کشور، ضروری به‌نظر می‌رسد.

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به این پرســـش پاســـخ دهد که چه عواملی طی ســـال‌های اخیر موجب شـــده است تا جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم فشارهای اقتصادی حاصل از تحریم، همچنان در قبال ادامه فعالیت هسته‌ای خود پافشاری کند؟ از منظر نوشتار پیش‌رو، عناصر بین‌الاذهانی اســـلامی و استقلال‌خواهی موجود در فرهنگ ملی ایران، باعث گردیده تا نظام جمهوری اســـلامی ایران بر حقوق خود به‌ویژه در زمینه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای، علی‌رغم تحریم اقتصادی پافشاری کند و در صورت لزوم و بر اساس موقعیت ژئوپولیتیک خود می‌تواند تأثیرات ســـوء تحریم را به خوداتکایی بیشتر و تأثیرگذاری افزون‌تر در سطح نظام بین‌الملل تبدیل کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب نظری

مقالـــه پیش‌رو تلاش می‌کند تـــا جهت تبیین دقیق‌تر موضوع مورد مطالعه، به‌طور تلفیقی به واکاوی و بررسی ابعاد مختلف دو نظریه محرومیت نسبی و هویت بپردازد:

۱. نظریه محرومیت نسبی

گر، نقطهٔ عزیمت خود را برای تحلیل خشـــونت‌های مدنی، محرومیت نســـبی قرار می‌دهد و در کتاب چرا انســـان‌ها شورش می‌کنند، به تشـــریح مدل پیچیده‌ای بر پایه نظریه ناکامی و پرخاش‌گـــری می‌پردازد (اســـکاچپل، ۱۳۸۷: ۱۶۹). هرچند متغیر وابســـته گر خشـــونت سیاسی است که می‌تواند به‌شکل جنبش سیاسی ـ اجتماعی باشد یا نباشد (فاس و لارکین، ۱۹۸۶: ۱۱)، او در تحقیق خود می‌کوشـــد به سه سؤال اصلی در راستای دست‌یابی به علل «درهم‌شکســـتن خشونت‌آمیز نظم» پاســـخ گوید که عبارتند از: ۱- منابع روانی و اجتماعی بالقوه خشـــونت جمعی کدامند؟ ۲- میزان تأثیر آنها را بر نظام سیاســـی چه عواملی تعیین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-03021]

می‌کنند؟ ۳- کدام شـرایط اجتماعی بر حجم و شـکل و در نتیجه پیامدهای خشونت تأثیر می‌گـذارد؟ (گـر، ۱۳۷۹: ۲۷). از این‌رو، گر در نظریه خود تلاش می‌کنـد تا ابتدا به منبع نارضایتی در افراد پرداخته و سـپس نشـان دهد که این وضعیت ذهنی در افراد، چگونه بر اساس متغیرهای اجتماعی به وضعیت عینی و در شکل خشونت آشکار می‌شود.

محرومیت نسبی به عقیدهٔ گر عبارت است از درک کنش‌گر از تفاوت بین چشم‌داشت‌ها و انتظارهای ارزشی ـ که منظور از آن مطلوبیت‌هایی است که افراد خود را محق دست‌یابی یا حفظ آن‌ها می‌دانند ـ و توانایی ارزشـی آنها ـ یعنی وسایل و شرایطی که تصور می‌کنند استعداد به‌دست آوردن و نگهداری آنها را دارند (گر، ۱۹۷۳: ۱۳). بدین ترتیب، توانایی‌های ارزشی «اشاره به اموری دارند که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آنها را یافت. آنها شـرایطی هستند که شـانس تصوری مردم را در زمینه‌ی تحصیل یا حفظ ارزش‌هایی معین می‌کنند که افراد به‌نحو مشـروعی انتظار به‌دست آوردن آنها را دارند» و «انتظارات ارزشی، کالاها و شـرایط زندگی اسـت که مردم خود را به‌طور موجهی مستحق آن می‌بینند» (گر، ۱۹٦۸الف: ۲۵۳-۲۵۲). به بیان دیگر، محرومیت نسبی عبارت است از تفاوت میان انتظارت مشـروع و برآورد مدعیان نسبت به احتمال دسترسی به هدف. در این راستا، «مردم ممکن اسـت به‌طور ذهنی با توجه به انتظارات‌شان احسـاس محرومیت کنند، اما یک ناظر عینی آنان را نیازمند قلمداد نکند. به‌همین ترتیب، کسانی که در وضعیتی به‌سر می‌برند که از دید ناظر حد اعلای فقر یا محرومیت مطلق اسـت، آن را ناعادلانه یا چاره‌ناپذیر قلمداد نکنند» (گر، ۱۳۷۹: ٥٤). بدین‌سـان، از یک طرف اعتقاد گر بر آن اسـت که محرومیت نسـبی به سـرخوردگی و سرخوردگی به خشم منجر می‌شود که خود می‌تواند به رفتار خشونت‌آمیز منتهی گردد (مشـیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۳)، از طرف دیگر، پتانسـیل خشونت جمعی تابعی از میزان و شـدت نارضایتی‌هایی اسـت که در میان اعضای یک جامعه مشترکند (گر، ۱۳۷۹: ۲۸). از این رو، ناکامی زمانی به‌وجود می‌آید «که در آن، فرد بر اساس استانداردهای عینی در تلاش برای کسـب یـک ارزش یا تداوم در بهره‌مندی از آن بـا مانعی فیزیکی روبه‌رو می‌شود». اما سرخوردگی تنها زمانی ایجاد می‌شود که کنش‌گران از این اختلال آگاه باشند (مشـیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۳). بر اسـاس این دیدگاه، پرخاش‌گری هنگامی صورت می‌گیرد که معترضین به این نتیجه برسـند که بنا به دلایـل و عواملی از امکانات موجود یا آنچه مورد انتظارشان است کمتر از آنچه حق‌شان است دریافت می‌کنند. از این‌رو، برای دست یافتن به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاش‌گری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. در این زمینه اعتقاد بر این است که: محرومیت نسبی هنگامی افزایش می‌یابد که افراد وضعیت خود را با وضعیت گروه مرجعی مقایسه می‌کنند که آنچه را می‌خواهند و فکر می‌کنند باید داشته باشند دارند (گر، ۱۳۷۹: ٦٤).

به بیانی دیگر، احساس محرومیت نسبی زمانی به‌وجود می‌آید که انسان‌ها خود را با دیگران و با وضعیتی که به وضعیت آنها نزدیک است مقایسه کنند. از این منظر می‌توان استدلال نمود که در صورت برآورده نشدن انتظارات، ناکامی اولین عاملی است که در فرد آشکار می‌شود، که یکی از نتایج مستقیم این وضعیت پرخاش‌گری است. تا آنجا که می‌توان حکم مذکور را با این موضوع که «هر چه محرومیت نسبی شدیدتر باشد احتمال و شدت خشونت مدنی بیشتر خواهد بود» پیوند داد (گر، ۱۹٦۸الف: ۲٥٤). در همین راستا، گر عوامل تعیین‌کنندهٔ میزان گستره کشمکش مدنی را از طریق دو مؤلفه محرومیت بلندمدت (تبعیض اقتصادی، تبعیض سیاسی، جدایی بالقوه، وابستگی کشور به سرمایه خارجی، شکاف‌های مذهبی و فقدان فرصت‌های آموزشی) و محرومیت کوتاه‌مدت (گرایش‌های کوتاه‌مدت در ارزش تجاری، تکرار مجدد این گرایش، تورم، نرخ رشد تولید ناخالص ملی، شرایط نامطلوب اقتصادی) مشخص می‌کند (گر، ۱۹٦۸ب: ۱۱۱۱-۱۱۱۰). همچنین، محرومیت نسبی که از درک تفاوت میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی افراد برآمده است، ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، و یا با توجه به آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی شده است و ارجاع به گروه‌های دیگر، شکل گیرد (گر، ۱۳۷۹: ٥٤). بدین ترتیب، تد رابرت گر سه الگوی عدم تعادل و محرومیت ناشی از آن را بدین صورت بیان می‌کند:

۱- محرومیت نزولی که در آن انتظارات افراد ثابت اما توانایی‌های‌شان به‌طور مداوم کاهش می‌یابد.

۲- محرومیت ناشی از بلندپروازی، یعنی درحالی‌که توانایی‌های افراد ثابت است انتظارات‌شان افزایش می‌یابد.

۳- محرومیت صعودی که پس از یک دوره رشد هم‌زمان انتظارات و توانایی‌ها، توانایی‌ها از رشد صعودی باز ایستاده و یا کاهش شدیدی می‌یابد و انتظارات هم‌چنان حالتی صعودی دارند. هر چه محرومیت نسبی ایجاد شده بر اساس تفاوت میان انتظارات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

و توانایی‌ها شـــدیدتر باشد، آن‌گاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود (گر، ۱۹٦۸الف: ۲٥٤) این الگو با فرضیه دیویس مبتنی بر «منحنی G» همخوانی دارد؛ چـــرا که مطابق آن احتمال وقوع انقلاب‌ها، زمانی اســـت که پس از مدتی طولانی از توسعه عینی اقتصادی و اجتماعی، دوره کوتاهی از افول سریع و شدید پدید می‌آید. تا آنجا که توســـعه طولانی باعث افزایش انتظارات می‌گردد و رکود کوتاه مدت سبب ایجاد فاصله غیرقابل تحمل بین انتظارات و دریافت‌ها و در نتیجه وقوع انقلاب می‌شود (دیویس[1]، ۱۹٦۲: ۸-۵). این مدل را می‌توان نشانگاهی از محرومیت نسبی مبتنی بر بلندپروازی به‌شمار آورد که در آن، مردم با بهبود طولانی مدت و تدریجی وضعیت ارزشی خود، انتظاراتی را جهت اســـتمرار این بهبود از خود نشـــان می‌دهند تا آنجا که اگر توانایی‌های ارزش پس از دوره‌ای طولانی ثابت بماند یا کاهش پذیرد، محرومیت نسبی صعودی به‌وجود می‌آید.

۲. هویت

موضوع و ماهیت هویت، یکی از مسائل چالش‌برانگیز و پردامنه است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بســـیاری از روشنفکران، اندیشـــمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. در یک تقســـیم‌بندی کلی، هویت به دو نوع هویت فردی و هویت جمعی تقســـیم می‌شود. در این راســـتا، هویت فردی تا حدودی حافظ خودمختاری فردی و هویت جامعه نیز تا حدودی پشـــتوانه درونی استقلال و خودمختاری ملی اســـت (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ٦۸). به‌نظر بریـــور، هویت ملی نوعی هویت اجتماعی اســـت. به‌عبارتـــی، هویت ملی تعریف خود را بـــه گروهی که آدمی خـــود را متعلق به آن گروه می‌داند، ارجاع می‌دهد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲)؛ به‌طـــوری کـــه می‌توان هویت ملی را به معنای احســـاس تعلـــق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشـــترک در اجتماع (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی تعریف کرد. مهمترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارتند از «ســـرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). هویت ملی به‌واسطه اهمیت فراوانش در تمامی حوزه‌ها مهم‌ترین نوع از انواع هویت و در عین حال، مشـــروع‌ترین ســـطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی محسوب می‌شـــود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳٦). از طرف دیگر، پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق اســـت است که اغلب آن را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ، شأن مستقلی

1. Davis

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۶
سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-03021]

در هویت قائل می‌شـــوند؛ چه اینکه در دیدگاه انسان‌شناسان، هویت فرهنگی از مؤلفه‌هایی چون ملت، قلمرو جغرافیای سیاســی، زبان و دین تشــکیل شده اســت (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۱). در این راســتا، مقاله حاضر در صدد اســت تا با ارائه برخی از نظریات جدید هویت، نقش آن را در اســتقلال‌طلبی در فرهنگ ملی ایران و تأثیر آن را در رابطه با آمریکا واکاوی نماید.

مانوئل کاســتلز: هویت سرچشــمه معنا و تجربه برای مردم است. اصطلاح هویت در صورتی که ســخن از کنش‌گران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شــوند. هویت منبع معنا برای خود کنش‌گران اســت و به‌دست خود آنها از رهگذر فرایند فردیت بخشــیدن، ساخته می‌شود. با این حال، ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بــود که کنش‌گــران اجتماعی آنها را درونــی کنند و معنای آن را حول این درونی‌ســازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰ : ۲۳-۲۲).

کاســتلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می‌شود:

۱- هویت مشروعیت‌بخش: این نوع هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا ســلطه آنها را بر کنش‌گران اجتماعی گســترش دهد و عقلانی کند. این موضوع هســته اصلی نظریه اقتدار است، اما با نظریه‌های گوناگون مربوط به ملی‌گرایی نیز هم‌خوانی دارد.

۲- هویــت مقاومت: منجر به ایجاد جماعت‌ها یا به تعبیــر آمیتای اتزیونی، اجتماعات می‌شــود. این هویت به‌دست کنش‌گرانی ایجاد می‌شــود که در اوضاع و احوال و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق ســلطه بی‌ارزش دانســته می‌شــوند و یا داغ ننگ بر آنها زده می‌شود.

۳- هویــت برنامه‌دار: که به ایجاد ســوژه (فاعــل) می‌انجامد. هنگامــی که کنش‌گران اجتماعــی با اســتفاده از هرگونه مواد و مصالــح فرهنگی قابل دســترس، هویت جدیدی می‌ســازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند، این نوع هویت تحقق می‌یابد.

از نظر کاســتلز، هر یک از فرایندهای هویت‌ســازی به ایجاد نتایــج متفاوتی در ایجاد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

جامعه می‌انجامد: هویت مشروعیت‌بخش، جامعه‌مدنی ایجاد می‌کند؛ نوع دوم هویت‌سازی یعنـی هویت مقاومت، منجر به ایجاد جماعت‌ها یا به تعبیر اتزیونی، اجتماعات می‌شـود. وی در کل معتقد اسـت که انواع مختلف هویت‌ها، و اینکه چگونه و به‌دسـت چه کسـی ساخته می‌شوند و چه پیامدهایی دارند، نمی‌تواند به‌صورت کلی و انتزاعی مورد بحث قرار گیرد، بلکه امری است مربوط به متن و زمینهٔ اجتماعی (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۷-۲٤).

به‌نظرگیدنز هویت عبارت است از خود، آن‌گونه که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسـته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیسـت، بلکه یک پدیده پویا و سـیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱).

وی بر این اعتقاد است که گاهی برای نشان دادن هویت خاصی، بدن و اعمال خود را طوری تنظیم می‌کنیم و کنش‌هایی انجام می‌دهیم که تفسیر آنها در نظر دیگران، آن طوری که ما می‌خواهیم باشـد. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش‌ها تحت تأثیر محیطی اسـت که در آن قرار می‌گیریم و باید این آمادگی را داشـته باشـیم که رفتار و کنش‌های خود را با محیط سازگار کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱٤٥-۱٤٤).

ریچارد جنکینز: جنکینز اسـتدلال می‌کند که بسـیاری از مطالعات جامعه‌شـناختی و روزمره میان هویت (هویت‌های) اجتماعی و هویت فردی تمایز قائل می‌شـوند؛ در حالی کـه امرِ یگانه فردی و امر مشـترک جمعی را می‌توان چنان درک کرد که مشـابه همدیگر باشـند (اگر دقیقاً با هم یکسـان نباشند)؛ شـاید بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی در این باشـد که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شـباهت تأکید دارد؛ با ایـن حال حتی این هم چیزی بیش از این نیسـت که هر یک از آنها بر یک موضوع تأکید می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳٥-۳٤). جنکینز معتقد اسـت هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند اسـت که می‌توان آن را با به‌کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کـرد. از نظر جنکینز نهادها به‌عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سـازمان‌ها به‌عنوان نمود رده‌بندی‌های اجتماعی، ازجمله حیطه‌های مهمی هسـتند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت، به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز،۱۳۸۱: ٤٤-۳٦).

با توجه به مباحث نظری مطرح شده، به‌نظر می‌رسد بین دو مفهوم هویت و محرومیت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

نسبی رابطه‌ای برقرار باشد؛ به‌طوری که هر دو مبتنی بر تصورات و انگاره‌های ذهنی‌اند و مقولهٔ مقایسه اجتماعی در هر دو نقش تأثیرگذار و مهمی دارد که ناظر بر ابعاد عاطفی و خصلت ارزش‌گذارانه موضوع است. همچنین هر دوی این مفاهیم شرط لازم برای ظهور جنبش‌های اجتماعی هستند؛ به‌طوری که یکی از دلایل ظهور جنبش‌های اجتماعی حول محور تجارب، اندیشه‌ها و پندارهای مشترک است. از این منظر، محققان جنبش‌های اجتماعی برای بررسی مسائل مربوط به شکل‌گیری جنبش‌ها، بسیج اجتماعی، درونی کردن ارزش‌ها، موفقیت و دست‌یابی به هدف‌ها به مفهوم هویت جمعی اشاره می‌نمایند. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های ضروری دست‌یابی به وحدت و همبستگی، هویت ملی است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۸)، می‌توان آن را از لوازم اصلی جنبش‌های اجتماعی نیز به‌حساب آورد. بنابراین بدون هویت جمعی، جنبش‌های اجتماعی و تحرکات جمعی به‌سختی قابل شکل‌گیری و با موفقیت همراه خواهند بود. نظریه محرومیت نسبی نیز در رابطه با هویت اجتماعی، بیان‌گر این است که احساس تبعیض توسط مردم یک کشور و به‌دنبال آن، ارزش‌یابی منفی از عملکرد کشور دیگر در رابطه با خود، باعث شکل‌گیری جنبش‌هایی جهت احقاق حقوق و مقاومت تلقی شود؛ موضوعی که در مباحث کاستلز از آن به‌عنوان هویت مقاومت تعبیر می‌شود. به‌نظر می‌رسد، مهم‌ترین شکل هویت‌سازی در جمهوری اسلامی ایران نیز همین موضوع باشد؛ این هویت شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایجاد می‌کند که در غیر این صورت تحمل‌ناپذیر بودند؛ به‌طوری که می‌توان در بسیاری از کشورها از مقاومت و پایداری به فرهنگ راهبردی تعبیر کرد که در مقابل تهاجم خارجی به‌مثابه الگوی رفتاری صحیح و مورد پذیرش شناخته می‌شود (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

پس از تبیین نظریه محرومیت نسبی و هویت به‌عنوان ارکان نظری تحقیق، لازم است تا ابتدا مؤلفه‌های فرهنگ ملی ایران را ذکر کرده و سپس تأثیر آن را در روابط با آمریکا تحلیل نماییم.

مؤلفه‌های اساسی فرهنگ ملی ایران

بررسی مهمترین منابع معنایی و ساختارهای هنجاری قوام‌دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران که نشأت گرفته از مؤلفه‌های موجود در فرهنگ سیاسی است، از مهمترین عواملی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

است که نشـان می‌دهد این مؤلفه‌ها چه ویژگی‌ها و نیروهای محرکه‌ای دارد که جمهوری اسـلامی ایران تحت تأثیر آن قرار می‌گیـرد. اگرچه فرهنگ ملی ایران می‌تواند ویژگی‌های زیادی داشـته باشد، در این نوشتار بر روی دو مؤلفهٔ استقلال‌خواهی و سیاست اسلامی که مبتنی بر مکتب تشیع است تأکید می‌نماییم.

۱. استقلال‌خواهی

از دیربـاز و بنا به‌دلایل تاریخـی ـ جغرافیایی و البته در مقاطع مختلـف تاریخ ایران، این کشـور همواره مداخلات اسـتعماری و تهاجمات تاریخی را تجربه کرده اسـت. نفوذ و سلطه بیگانگان و ضعف حکومت‌ها در ایران، باعث بهره‌برداری به نفع مقاصد سلطه‌جویانه این کشـورها شـد. در این زمینه می‌توان به قراردادهایی چـون ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و همچنین معاهداتی نظیر گلسـتان و ترکمنچای که در طول قرن نوزدهم و بیسـتم به‌واسـطه حضور قدرت‌های اسـتعماری به‌ویژه فرانسه، انگلیس و روسیه در ایران اشاره کرد. نوع نگاه ایران به آمریکا را نیز باید ناشـی از حافظه تاریخی ایرانیان نسـبت بـه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه مصدق و به‌ویژه حمات آمریکا از شـاه پس از انقلاب اسـلامی دانست. بدین ترتیب، مـا دارای این حافظه تاریخی شـدیم که بیگانگان در امور ما بـه دخالت می‌پردازند و این عوامل را باید در شـکل‌گیری تئوری توطئه، در ضمیر مردم بسـیار مؤثر دانست (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). چنین نحوهٔ نگرشـی واکنش‌هایی را در ایران به‌وجود آورده که از مهم‌ترین آن می‌توان به پرورش نوعی بدبینی و بی‌اعتمادی سیاسـی نسـبت به بیگانگان اشـاره کرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۸۲). این امر نیز به‌نوبه خود، در بازتوزیع خصلت بیگانه‌سـتیزی بسیار مؤثر بوده است. بنابراین با وقوع انقلاب اسلامی و آشکار شدن هرچه بیشتر نقش آمریکا و تلاش‌های آن کشور در فراهم آوردن زمینه‌های شکست انقلاب، تصور توطئه توسط آمریکا و غرب همواره به‌عنوان یک عامل روانشناختی ـ تاریخی موجب موضع‌گیری تند و شدید مردم نسـبت به این کشورها شـده و گاهی هم به‌عنوان حربه‌ای جهت تهییج هرچه بیشتر برای استقلال‌خواهی مورد استفاده قرار گرفته است. از این‌رو، حساسیت ایرانیان نسبت به استقلال کشورشـان برخاسته از یک احساس ریشه‌دار تاریخی و جزئی از فرهنگ سیاسی آنهاسـت (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۴۷)؛ تا آنجا که انقلاب اسـلامی را می‌توان راهبردی جهت اسـتقلال‌خواهی ایرانیان نامید، چرا که از یک طرف، وقوع انقلاب اسـلامی علاوه بر اینکه واکنشـی در اعتراض و مخالفت علیه سیاسـت داخلی شاه قلمداد می‌شود، مبین عدم تأیید

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

سیاســت خارجی وی نیز بود؛ به‌ویژه اتحادی که با ایالات متحده تشکیل داد و از همین‌رو به او لقب شاه آمریکایی داده بودند (رمضانی، ۱۳۸٦: ٤٦). در راستای همین استقلال‌طلبی و عدم وابستگی به بیگانه است که امام خمینی(ره)، در موضعی صریح می‌فرماید:

جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد مستقل باشد ...؛ زیرا که وابستگی به‌هر شکل سیاسی و اقتصادی‌اش جلوه‌ای از عدم استقلال است (موسوی خمینی، ۱۳٦۹، ج۱٦: ۲۲۰).

از این منظر، نفی هرگونه ســلطه، مستلزم عدم وابســتگی به قدرت‌های سلطه‌جو است. بر اســاس این حس خوداتکایی، رهبران دولت ایران و مردم این کشــور دست‌یابی به چرخه ســوخت هســته‌ای را به‌عنوان بخشــی از اعتماد به‌نفس خود تلقی می‌کنند که نباید بر ســر آن ســازش کــرد (مشــیرزاده، ۲۰۰۷: ۵۲۹). در واقع، از نظر فرهنگــی ـ تاریخی مداخلات قدرت‌های استعمارگر خارجی و حاکمیت حکومت‌های وابسته در ایران، به‌ویژه در سده‌های نوزدهم و بیســتم، استقلال‌طلبی و استعمارزدایی را به هدف مشترک مردم ایران تبدیل کرده اســت؛ به‌گونه‌ای که یکی از اهداف بنیادی انقلاب اســلامی، استعمارزدایی، استقلال‌خواهی و نفی هرگونه وابســتگی بوده اســت. می‌توان گفت هدف اصلی ایــن آرمان تأمین نیازهای داخلی از طریق فرصت‌سازی منابع موجود و به حداقل رساندن وابستگی و در نهایت رسیدن به ســطح بالایی از خودکفایی اقتصادی اســت. از این رو، ایرانیان به‌طور جدی با آمریکا و آمریکایی‌شدن ایران مخالفند و خصلت ایدئولوژیک بودن نظام بعد از انقلاب اسلامی به این موضوع دامن زده اســت. بدین‌ســان، ذهنیت وجود یک تؤطئه، سیاست تحریم اقتصادی را به چالش می‌کشــد و ادامه فعالیت برنامه هسته‌ای را مشروع جلوه می‌دهد و با توجه به تنفر ایرانیان از آمریکا به‌عنوان مانعی در رسیدن به خودکفایی، استقلال و سربلندی ایران در سطح جهان، سیاست‌های تحریم اقتصادی از این منظر قابل ارزیابی است.

۲. سیاست اسلامی ـ شیعی

نظام ارزشی، رکن اصلی یک نظام فرهنگی است. اگر عوامل پایدار فرهنگ قسمت نامرئی و گاه ناخودآگاه یک مجموعه فرهنگی را تشکیل دهد، نظام ارزشی همیشه رابطه تنگاتنگی با دین و دستورات مذهبی دارد. بر این اساس، با توجه به اینکه انقلاب ایران، اولین انقلاب مدرن با محتوای کاملاً مذهبی اســت (هاینــس، ۲۰۰۸: ۱۵٦)، می‌توان مهم‌ترین علت آغاز و تــداوم منازعه میان ایران و آمریکا را الزامات ایدئولوژی اسلامی(تشــیع) به‌عنوان عنصر کانونی هویت نظام جمهوری اســلامی دانســت. می‌توان گفت تشــیع به‌عنوان یک مکتب

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

انقلابی الزاماتی دارد که از یک سو، با روح شیعه عجین شده و در یک تمامیت همه رفتار ایرانی را جهت می‌دهد (فولر، ۱۳۷۷: ۱۷) و از سوی دیگر، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاصی را برای قضاوت و داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورها ایجاد و تعیین می‌کند (میرباقری، ۲۰۰٤: ۵۵۸).

گفتمان سیاسی هر جامعه، ریشه در فرهنگ سیاسی آن دارد و فرهنگ سیاسی نیز خود محصول تاریخ یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن نظام را می‌سازند. از این حیث، گفتمان سیاسی در بعد از انقلاب تا حد زیادی تحت تأثیر نشانگان مستقر در فرهنگ ملی ایران استقرار یافت و در پیدایش این گفتمان سیاسی عناصری از فرهنگ ملی و مذهبی دخیل بودند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰ :۱۱). بر این اساس، در ایران پس از انقلاب، فرهنگ و سیاست اسلام شیعی، فرهنگ معتبر جمهوری اسلامی شد و به‌عنوان اساسی‌ترین شاکله فرهنگ ملی مردم ایران به رفتار اجتماعی ـ سیاسی ایرانیان نیز جهت داده و همه وجوه زندگی آنان را پر کرده است.

ساخت عمومی فرهنگ سیاسی شیعه در طول تاریخ خود با خلق مضامین و مفاهیمی مانند جهاد و شهادت، آزادگی، ظلم‌ستیزی وسازش‌ناپذیری، مهدویت و انتظار و با ارائه الگوهایی بی‌بدیل همانند ظرفی تمامی عناصر مثبت و همسو را مظروف خود ساخته است و به بازسازی و بازتعریف مفاهیم و چهره‌هایی پرداخته که در فرهنگ ایران باستان نیز می‌توان نشانی از آن‌ها پیدا کرد. بر این اساس، افتخار و فضیلت جامعه ایرانی، ایستادگی است و در شرایط بحرانی به‌مثابه یک نیاز تحریک می‌شود. می‌توان اصل حفظ مصلحت نظام اسلامی را از جمله مؤلفه‌هایی دانست که ایستادگی و مقاومت را که از وجوهات قدرت نرم است، مشروع و ممکن می‌کند. مصلحت دولت جمهوری اسلامی ایران آن است که با مقاومت و ایستادگی در قبال تحریم‌ها و احقاق حقوق خود به‌ویژه در قبال برنامه هسته‌ای، به‌عنوان یک الگوی مقاومت، قدرت و ایستادگی در میان کشورهای اسلامی و غیرمتعهد مطرح شود. تأکید بر حق مسلم ایران در برخورداری از توانایی و تکنولوژی هسته‌ای و همچنین غنی‌سازی اورانیوم در بعد از انقلاب اسلامی بخش مهمی از گفتمان هسته‌ای را تشکیل داده است (مشیرزاده، ۲۰۰۷: ۵۲۸).

با این رویکرد، ادامه سیاست سازش‌ناپذیری جمهوری اسلامی ایران در قبال برنامه هسته‌ای جهت دستیابی به توانایی هسته‌ای و چرخه کامل سوخت، به‌نحوی در جهت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

مصالح اســلامی قرار دارد. چرا که از یک سو باعث قدرتمندتر شدن ایران در سطح منطقه و جهان می‌شود و از سوی دیگر، تلاش نظام جمهوری اسلامی ایران را در جهت وحدت اســلامی و برقراری نظم جهان اسلام آسان‌تر و مهیاتر می‌سازد. افق دید جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای اســت که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی شــیعه و همچنین تجربه تاریخی که باعث شــکل‌گیری عنصر استکبارستیزی شده اســت، غرب و آمریکا را به‌عنوان مهم‌ترین دشمنان تعریف نموده اســت. به‌عبارتی، در شکل‌گیری ماهیت اسلامی و استقلال‌خواهی، پیشــینه و تجربــه تاریخی ایرانیان، به‌ویژه رابطه با غرب در ســده‌های نوزدهم و بیســتم، ارزش‌ها و باورهای مذهبی قبل از اسلام، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و مجموعه‌ای از منافع و ارزش‌هــا، موضوعات مختلفی ازجمله موضوع هســته‌ای را جنبــه ایجابی می‌دهد. این تعیین‌کنندگی ناشــی از شــناخت این نظام از خود بوده، منجر به تعریف مرزهای میان این دولت و دنیای بیرون می‌شــود و یک ابزار شــناختی برای دولت ایران در ارتباط با شناخت دنیای خارج ارائه می‌دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران

قبل از پیروزی انقلاب اســلامی، مســئله کسب فناوری هسته‌ای توسط ایران مورد حمایت کامل آمریکا قرار داشت، به‌گونه‌ای که مقامات آمریکایی نسبت به کسب سلاح‌های هسته‌ای توســط ایران بی‌میل نبودند. در واقع با توجه به شرایط ایران در زمان جنگ سرد، هسته‌ای شــدن یکی از قابل اعتمادترین هم‌پیمانان آمریکا تا حد زیادی می‌توانست منافع آمریکا را در منطقه بهبود بخشــد (کوردسمن و آل‌رودهان، ۲۰۰۶: ۲۰). اما با وقوع انقلاب اسلامی و فقــدان پایگاه ایران در منطقه ژئوپلیتیک و ژئواســتراتژیک خلیج‌فارس برای آمریکا، این موضوع باعث تغییراتی در روابط دو دولت گردید که مقابله ســخت‌افزاری و نرم‌افزاری را می‌توان از نتایج آن به‌شمار آورد (عسگرخانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

بعد از وقوع حادثه یازده ســپتامبر، اسلام‌هراســی و تبعیض علیه مسلمانان افزایش یافته اســت (عامری‌گلستانی و قادری، ۱۳۹۱: ۱۳۷) و به‌نظر می‌رسد، سیاست واشنگتن نسبت به جمهوری اســلامی ایران تغییر پیدا کرد. در این راستا می‌توان به سیاست خصمانه این کشور در قبال برنامه هســته‌ای ایران اشــاره کرد؛ به‌گونه‌ای که این موضوع از سال ۲۰۰۲ کنش‌ها و واکنش‌های متعددی را میان ایران و آمریکا صورت داد. آمریکا و بیشــتر کشــورهای غربی با

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-03021]

ذکر نام ایران در لیست کشورهای حامی تروریسم، بر خطر برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده و آن را خطر بزرگی برای امنیت و صلح جهانی می‌دانند، به‌ویژه اینکه مبارزه با ایران به‌عنوان یکی از محورهای شرارت از اهداف مهم آمریکا محسوب می‌شود (پرکویچ، ۱۳۸٤: ۱٤۹).

در این راستا، آمریکا به‌واسطه تبلیغات تلاش کرده است تا القا نماید که بازرسی‌های آژانس از تأسیسات هسته‌ای کافی نیست و با محدودیت‌های مالی برای آژانس، سعی دارد تا این نهاد بین‌المللی را به قطع همکاری با ایران وادار کند و پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد. دولت ایران نیز برای خنثی کردن این تبلیغات و اثبات بی‌اساس بودن ادعای دولت آمریکا در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷٤، به‌طور داوطلبانه از آژانس تقاضا کرد که همه تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد بازرسی قرار دهد. بازرسان آژانس نیز در تمام بازرسی‌ها صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران را تأیید کردند. با این وجود، ایران با رفتارهای غیرحقوقی تبعیض‌آمیز از سوی آژانس روبرو شد. گواه این مدعا، اقدام ایران برای اثبات حسن نیت خود در قبال برنامه هسته‌ای بود که در مذاکراتی با سه کشور اروپایی یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان شرکت کرد و بر اساس آن از یک سو، ایران ضمن امضاء پروتکل الحاقی به‌طور داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و ازسوی دیگر، اروپا متعهد به تضمین‌هایی در این خصوص به ایران شده بود (رشید و کینجو، ۲۰۰۹: ۳۲)، اما به‌واسطه عدم پایبندی کشورهای طرف مذاکره به وعده‌های داده شده تحت فشار آمریکا، ایران بار دیگر غنی‌سازی را از سر گرفت. این موضوع سبب اتخاذ تصمیمات غیرحقوقی از سوی آژانس، طی قطعنامه ۲٤ سپتامبر ۲۰۰۵ شده بود که بر اساس آن، از ایران خواسته شده بود فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را به‌صورت دائمی و پایدار به حالت تعلیق درآورد؛ علاوه بر این اقدام غیرحقوقی، می‌توان به درخواست تجدید نظر در ساخت رآکتور تحقیقاتی با آب سنگین، الزام ایران به امضا و تصویب پروتکل الحاقی که غیرحقوقی‌ترین بخش عملکرد آژانس در قطعنامه‌های صادره بود، اشاره کرد (عسگری، ۱۳۸۵: ۵۷-۵٤). دولت جمهوری اسلامی ایران در واکنش و به‌جهت نادیده گرفته‌شدن حقوق ملت ایران، با تصویب قانون «دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای» مصوب مجلس شورای اسلامی و با ارسال نامه‌ای به مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تصمیم خود مبنی بر ازسرگیری فعالیت‌های هسته‌ای و برداشتن تعلیق را اعلام کرد. با این اقدام پروندهٔ هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت که یک نهاد سیاسی و

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-03021]

اجرایی تلقی می‌شـود، ارجاع داده شد (رسـولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ٦٠-٥٥). این موضوع مبیّن آن است که مناقشه بر سر پرونده اتمی ایران با آمریکا و متحدانش بیش از آنکه جنبه حقوقی داشـته باشد، ماهیتی سیاسـی دارد. این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر طبق مواد ۲ و ۳ اساسنامه خود و ماده ۳ از پیمان منع تکثیر هسته‌ای، تنها مرجع فنی بین‌المللی ذی‌ربط، مجاز و موظف به حل و فصل چنین موضوعاتی اسـت که در بررسـی پرونده‌های حقوقی باید به مفاد و معاهدات بین‌المللی و اصول حقوق بین‌الملل پایبند باشد و حق دولت‌ها را بر اسـاس بند ۱ ماده ٤، در بهره‌برداری از انرژی هسـته‌ای به رسـمیت بشناسـد (غریب‌آبادی،۱۳۸۷: ۱۳)، اما به‌دلیل ضعف ساختاری و تأثیرپذیری از قدرت‌های جهانی خصوصاً ایالات متحده آمریکا، به ابزاری سیاسـی در جهت تأمین منافع ملی برخی کشورها تبدیل شده است.

از سـوی دیگر، ایران با چالش‌های امنیتی نیز مواجه اسـت. تجربـه تاریخی مبین این موضـوع اسـت که در طول جنگ ایران و عراق، ایران تحت فشـار آمریـکا با تحریم‌های مؤثر تسـلیحاتی از سوی مجامع بین‌المللی مواجه شـده بود. در مقابل، عراق با سلاح‌های فراوان، در اسـتفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی مجاز شناخته می‌شد (هادیان، ۲۰۰٤: ٥). از لحاظ ژئوپلیتیک، ایران در همسـایگی کشورهای هسته‌ای همچون روسـیه، پاکستان، هند و به‌ویژه اسرائیل قرار دارد و آمریکا نیز با استقرار پایگاه‌های نظامی می‌تواند تهدیدی برای ایران محسـوب گـردد (مرکز مطالعات الجزیـره، ۲۰۱۲: ۳). این خطرات، وضعیت و چالش‌های امنیتی، دست‌یابی به حداکثر استقلال ملی در تمام جهات، به‌ویژه در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسـته‌ای برای ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات امنیتی را توجیه‌پذیر می‌نماید و تلاش ایران برای دست‌یابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و متعاقباً تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای در منطقه در راستای این دغدغه قابل توجیه است.

ایـران همواره تأکید دارد که هدف از برنامه غنی‌سـازی اورانیوم، تولید سـوخت برای نیروگاه‌های هسـته‌ای، به‌جای مواد شکاف‌پذیر برای سلاح‌های هسته‌ای است. دولت ایران توسـعه انرژی هسته‌ای را برای مقاصد صلح آمیز، حق مسلم خود می‌داند (الیاس، ۲۰۱۰: ۳)، اما از نظر کارشناسان آمریکایی «صداقت کمی در این بحث وجود دارد. زیرا توربین‌های گاز طبیعی برای تولید الکتریسیته مناسب هستند و روش موثری برای تولید برق محسوب می‌شـوند» (بولتن ویـژه، ۱۳۸۳: ۲۰)؛ به‌عـلاوه، از آنجایی که ایران دومین کشـور بزرگ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

به‌لحـاظ ذخایـر گاز طبیعی بوده و دارای پنجمین ذخایر نفت جهان می‌باشـد دیگر نیازی به پروژه‌های انرژی هسـته‌ای برای تولید ندارد (گلشـن‌پژوه، ۱۳۸۳: ۳۰۱). این مباحث در حالی مطرح می‌شود که کشـورهایی مانند آمریکا و روسیه که از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی هسـتند به‌طور وسیع از منابع تجدیدپذیر اسـتفاده می‌نمایند. بنابراین می‌توان اسـتدلال کرد که ایران اولین کشـور دارای ذخایر عظیم نفت و گاز نیسـت که به انرژی هسـته‌ای به‌عنوان یک منبع انرژی روی می‌آورد. در عین حال، سـوخت‌های فسیلی ایـران عواید صادراتی مهمی هسـتند کـه باید برای صادرات حفظ شـوند و مهم‌تر اینکه، مصرف داخلی نفت و گاز ایران از رشد سالانه ۸ درصد برخوردار است و به‌همین دلیل از مشـکلات جدی آلودگی هوا در شـهرهای بزرگ رنج می‌برد (هادیان، ۲۰۰٤: ۵). از طرف دیگر، ایرانیان به سـایر کشورها (آمریکا، انگلستان، روسیه و چین) اشاره می‌کنند که دارای منابع سـوخت فسیلی غنی هستند، اما الکتریسـیته مورد نیاز خود را از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای به‌دست می‌آورند (آموزگار، ۲۰۰٦: ۹٦).

سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران ـ در راستای صلح خاورمیانه ـ تا آنجا که اسـرائیل را در این زمینه کنار می‌گذارد بیان‌گر نوعی آپارتاید هسته‌ای است که نه‌تنها مؤثر بلکه اخلاقی هم نیسـت (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸٤: ۵۵). بررسی مؤسسه افکار عمومی جهانی در سال ۲۰۰۹ مبین این قضیه است که مهم‌ترین دغدغه ایرانی‌ها در مسائل جهانی، ظلم‌سـتیزی، مبارزه با تبعیض و حمایت از مسـتضعفان بوده اسـت که به‌نحوی ریشه در فرهنگ سیاسی آنها دارد (کول، ۲۰۰۹). بر این اساس، می‌توان استدلال کرد ایران سردمدار اشـاره به این مفهوم است که در ارتباط با عناصر اصلی امنیت بین‌المللی از «معیار دوگانه» تبعیض‌آمیز استفاده می‌شود.

همه این عوامل نشـان می‌دهد که نگاه تبعیض‌آمیز نسـبت به ایران در زمینه هسته‌ای و اتهام به آن کشـور برای دسـت‌یابی به سلاح هسـته‌ای، جملگی منجر به محرومیت نسبی اقتصادی ـ سیاسی اقشار مختلف مردم ایران و دولت برآمده از آن گردیده است. از این‌رو، بـر طبـق نظر رابرت گر، نارضایتی ایجاد شـده در بین مردم و دولت ایـران ابتدا در ذهن شـکل می‌گیرد و پس از مدتی تداوم این سیاسـت‌ها و تشـدید این نارضایتی‌ها به شکل عینی بروز خواهد کرد. می‌توان نمود عینی آن را در نظرسـنجی‌ای که اخیراً توسط مؤسسه زاگبی در آمریکا صورت گرفت، مشـاهده کرد. طبق نظرسـنجی مذکور، ۹٦ درصد مردم

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۶
سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-03021]

ایران معتقدند که ادامه برنامه هسته‌ای به تحمل تحریم‌ها می‌ارزید و بر این اساس، مردم ایران همواره و با وجود تحریم‌ها، از برنامه اتمی ایران حمایت کرده‌اند (پایگاه خبری بولتن نیوز، ۱۳۹۲). نتیجه نظرسنجی دیگری توسط مؤسسه گالوپ که یکی از معتبرترین مؤسسات افکارسنجی آمریکایی محسوب می‌شود، حکایت از حمایت اکثریت ایرانیان از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز دارد (پایگاه خبری تحلیلی صراط، ۱۳۹۲). از این منظر، محرومیت اشاره به شرایط نابرابری دارد که کل افراد یک کشور را در مقایسه با دیگر کشورها قرار می‌دهد. شرایطی که در آن برخی کشورها به‌واسطه برخی از امکانات و امتیازات، بهره‌مندی‌های بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند و کشور نابرخوردار در نسبت‌سنجی میان وضعیت خود و وضعیت کشور برخوردار به احساسی دست می‌یابد که محرومیت نامیده می‌شود. نکته اساسی در تحلیل محرومیت به‌عنوان یک عنصر تأثیرگذار بر رفتار جمعی این است که آیا محرومیت با عدم برخورداری از برخی امتیازات، امری طبیعی است یا غیرطبیعی. از این منظر محرومیت آنجا که غیرطبیعی و ناحق جلوه می‌کند، به عامل تأثیرگذار در رفتار جمعی تبدیل می‌شود. به‌همین دلیل است که نقش «عامل ذهنی» یا «احساس محرومیت» امری مهم تلقی می‌گردد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

تحریم اقتصادی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ به‌دلیل ماهیت ضد هژمونیک آن، موجبات قطع روابط ایران و آمریکا را فراهم کرد. به دنبال این واقعه، آمریکا ترجیح داد به‌منظور دست‌یابی به هدف‌های سیاسی در تعامل با ایران، تحریم‌های اقتصادی را برقرار کند. اعمال تحریم از نوامبر ۱۹۷۹، پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران آغاز شد (جنتلسون، ۲۰۰۷: ۸) و به‌رغم حل بحران گروگان‌گیری در زمان کارتر، دولت‌مردان آمریکا با استناد به برخی استدلال‌ها هم‌چون نگرانی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از سازمان‌های تروریستی، همچنان به اعمال تحریم ادامه دادند و روز به روز نیز بر شدت آن افزودند (الیاس، ۲۰۱۰: ۳).

منع همه واردات از ایران به آمریکا و منع صادرات و اعمال مجازات برای شرکت‌های آمریکایی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران داشتند در قالب قانون داماتو (کامالونگا، ۲۰۱۲: ۵)، پایان دادن به کمک‌های اقتصادی به ایران، جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

خارجـی در صنعـت نفت ایران و اعمال تحریم ثانویه در مـورد ایران و تحریم نفتی ایران کـه تحریم اقتصادی ایـران را وارد مرحله نوینی کرد، نمونه‌هایـی از این تحریم‌ها بودند. به‌طوری‌کـه، مـوج جدید تحریم‌های اقتصـادی آمریکا علیه ایران را باید ناشـی از برنامه صلح‌آمیز هسـته‌ای ایران دانست که به موجب آن شـاهد قطعنامه‌های ۱۶۹۶ در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، ۱۷۳۷ در ۲۳ دسـامبر ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ در ۳ مارس ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ در ژوئـن ۲۰۱۰ بودیم که باعث شـد تحریم‌هایی در زمینه‌های مختلف بر ایران اعمال شود (کروس و مالوری، ۲۰۱۰: ۹۵).

تحریم‌ها نقش مهمی در رویکرد ایالات متحده آمریکا برای مقابله با ایران ایفا کرده است. «تحریم» هر محدودیتی به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی اسـت که به یک کشـور خارجی، به‌دلایل سیاسـت ملی (گائو، ۲۰۰۷: ۱) تحمیل می‌شـود. تحریم اقتصادی محدودیت‌های هماهنگ‌شده بر تجارت، خدمات و معاملات و روابط مالی یک کشور ـ با هدف دست‌یابی به اهداف سیاسی و لطمه‌زدن به حیات اقتصادی یک کشور است ـ (هوس آف لورد لندن، ۲۰۰۷: ۷؛ دیویدسـون، ۲۰۰۳: ٤) و شـواهد نشـان می‌دهد که هدف آمریکا نیز از تحریم ایران حول این محورها می‌چرخد. به‌طور کلی، می‌توان هدف آمریکا از اعمال تحریم‌های اقتصادی را این‌گونه بیان کرد: ۱- تلاش جهت تغییر نظام یک کشور؛ ۲- تغییر سیاست‌ها یا تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌های یک کشور هدف؛ ۳- تنبیه و مجازات کشور هدف جهت نشان دادن مراتب مخالفت نمادین سیاست‌های کشور هدف (علیخانی، ۱۳۸٤: ۳۹).

مطالعات نشان می‌دهد که این تحریم‌ها اگرچه نتوانستند آمریکا را در نیل به اهداف خود، یعنـی تغییر رژیم و حتی تغییر رفتار ایران موفق کنند (الیـاس، ۲۰۱۰: ۳٤)، هزینه‌هایی از نظر اقتصادی به‌ویژه در بخش‌های انرژی، سرمایه‌گذاری جدید، کمک فنی و نقل و انتقال فناوری، تجهیـزات و خدمـات مربوط به این حوزه‌ها به‌ویژه حوزه‌های مربـوط به پالایش، گدازش و فناوری گاز طبیعی مایع شـده بر ایران تحمیل کرد. تصویب قطعنامه‌ها و گسـترده شدن دامنه تحریم‌های اقتصادی به‌واسطه آن، با توجه به اینکه ساختار دولت ایران وابسته به درآمدهای نفتی و یا به‌عبارتی دارای اقتصاد تک‌محصولی است ـ حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد درآمد دولت ایران را تشکیل می‌دهد (کاتزمن، ۲۰۱۲: ٤۳) ـ هزینه‌های گزافی را در زمینه سرمایه‌گذاری، نوسانات نرخ ارز و قیمت نفت و در نتیجه، تورم و کاهش ارزش ریال بر ایران تحمیل کرده است.

طبق نظریه تد رابرت گر، نارضایتی علت اساسی رفتار خشونت‌آمیز است و محرومیت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

نسبی تفاوت بین انتظاراتی است که کنش‌گر خود را محق دستیابی یا حفظ آنها می‌داند و امکاناتی که موجبات ارضای خواسته‌های پیش رو را فراهم می‌آورد. از این منظر، دولت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کنش‌گر در عرصه بین‌المللی خواهان این است که با توجه به انتظاراتی که در جامعه در راه دستیابی به انرژی هسته‌ای وجود دارد، به ادامه آن راه بپردازد. اما علی‌رغم بدیهی و قانونی بودن آن طبق مفاد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌جهت نفوذ نامشروع ایالات متحده آمریکا، این کشور با مانع روبرو است. در این خصوص، ادعا می‌شود در صورت تشدید فشارها بر ایران و در صورت بر آورده نشدن انتظارات و خواسته‌های مردم و دولت ایران، این کشور مجبور به بستن تنگه هرمز بر روی جریان نفت جهان خواهد شد و این امر می‌تواند موجب رکود اقتصادی در جهان شود. این امر مبین این واقعیت است که در بازی سیاست، تمامی معادلات از قانون بازی با حاصل جمع غیر صفر یا متغیر پیروی می‌کند. بدین معنا که تهدید علیه منافع کشوری، موجبات تهدید منافع دیگر کشورها می‌شود. در این راستا «باری بوزان» براین اعتقاد است که:

اگرچه کشورهای ضعیف جهان سوم ممکن است در خدمت منافع کوتاه‌مدت اقتصادی، سیاسی و نظامی قدرت‌های شمال باشند، این دستاورد را باید با خطری مقایسه کرد که مناقشات جهان سوم متوجه امنیت شمال می‌کند. در چارچوب منطقه‌ای هم، کشورهای ضعیف، هرگونه شکل‌گیری شرایط امنیتی را به غایت دشوار می‌سازند و عملاً شرایط ظهور بی‌ثباتی و تزلزل را تضمین می‌کنند (آزر و این مون، ۱۳۷۹: ٦٤-٦٣).

بر این اساس، فشارهای سیاسی ـ اقتصادی آمریکا علیه ایران، اگرچه به اقتصاد ایران ضرر رسانده و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده، به معنی تأمین امنیت برای سایر قدرت‌های بزرگ نبوده است؛ چرا که این فشارها باعث مقابله‌به‌مثل ایران با توجه به ظرفیت‌های موجود در ساخت قدرت آن می‌شود. در صورتی که ایالات متحده و هم‌پیمانانش با اعمال تحریم‌های اقتصادی، منافع سیاسی و اقتصادی و امنیت ملی ایران را به‌خطر اندازند، ایران نیز به‌واسطه استراتژی تهدید در مقابل تهدید، از طریق مسدود کردن تنگه استراتژیک هرمز که مجرای انتقال نفت جهان است، به این تحریم‌ها و اقدامات قهرآمیز پاسخ خواهد داد و مانع صادرات نفت خام از خلیج‌فارس به دیگر مناطق جهان خواهد شد. اهمیت این موضوع تا آنجاست که ۳۵درصد از صادرات نفت جهان به کشورهای دیگر از تنگه هرمز می‌گذرد (راتینگ، ۲۰۰۸؛ کاتزمن، ۲۰۱۲: ۲). در صورت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

ایــن اتفــاق نه‌تنها قیمت نفت در دنیــا افزایش خواهد یافت، بلکه صــادرات نفت به هیچ کجای دنیا و علی‌الخصوص اروپا صورت نخواهد پذیرفت و همین موضوع امکان به زانو درآمدن اقتصادهای آســیب‌پذیر و آسیب‌دیده کشورهای اروپایی را به‌دنبال خواهد داشت. این موضوع می‌تواند به‌لحاظ تنگ‌تر شــدن حریم امنیتی نفت جهان برای آمریکا و ســایر هم‌پیمانانش هزینه در بر داشته باشد. ادامه این وضعیت مانع تأمین منافع ژئوپلیتیک ایالات متحده به‌خصوص در دراز مدت می‌گردد. این منافع شامل ثبات منطقه، امنیت انتقال انرژی و گســترش بیشــتر روابط میان ایالات متحده با هم‌پیمانانش در آســیا و اروپا می‌شود. این کشــورها در اثر افزایش بهای نفت و فرآورده‌های سوختی در بازار انرژی و شرایط وجود بحران اقتصادی در حوزه یورو و تضعیف واحد پولی خود، خســارات شدیدی را متحمل خواهند شد و برای جایگزین کردن نفت ایران باید هزینه سنگینی بپردازند. برآوردها نشان می‌دهد که صادرات نفت ایران به اروپا حدود ۲۰ درصد است (کاریراتینگ، ۲۰۱۲: ۱). از بین کشــورهای اروپایی، سه کشور بزرگ عضو اتحادیه اروپا، یعنی ایتالیا، اسپانیا و یونان، از خریداران عمده نفت ایران محســوب می‌شــوند و هر کدام از این‌ها بر اساس آمار سال ۲۰۱۱ روزانه بین صد هزار تا دویســت‌هزار بشکه نفت از ایران خریداری می‌کردند؛ یعنی بیــش از ۱۰ درصد از نفــت وارداتی خود را از ایران دریافت می‌کنند. از این بین فرانســه تقریباً ٤ درصد، بریتانیا و آلمان تنها ۱ درصد از نفت خود را از ایران خریداری می‌کنند؛ در مجموع، کشورهای اتحادیه اروپا روزانه حدود ٦۰۰ هزار بشکه از ایران خریداری می‌کنند (کاتزمن، ۲۰۱۲: ۳۲).

از میان کشورهای واردکننده نفت از ایران، بیش از ده کشور به آمریکا فرآورده‌های نفتی صادر می‌نمایند. بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط وزارت انرژی آمریکا در سال ۲۰۱۱، بیــش از ۱۲ درصــد از فرآورده‌های نفتی مورد نیاز آمریکا از طریق کشــورهای واردکننده نفت خام از ایران تأمین شــده اســت که عبارتند از: هلند، اسپانیا، فرانسه، هند، کره‌جنوبی، ایتالیا، ســوئد، پرتغال، چین و مالزی که میزان صــادرت نفتی آنها به آمریکا در نمودار زیر نشان داده شده است:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

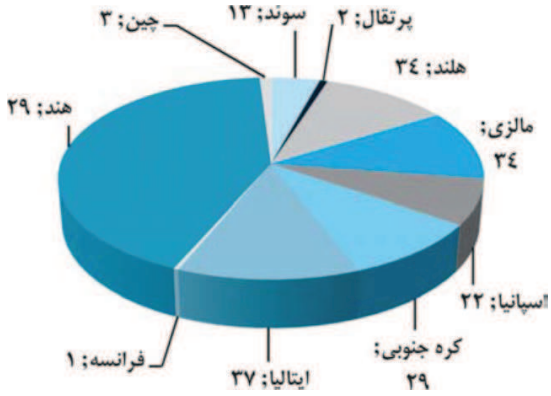

منبع: (خواجوی، ۱۳۹۰: ۲۷)

این موضوع نشـــان‌گر این اســـت که در صورت عدم دسترســـی و خروج نفت ایران از بازار جهانی انرژی، منطقاً بهای نفت و ســـایر فراوده‌های ســـوختی به‌واسطه کاهش عرضه نفت در بازار انرژی، افزایش چشـــم‌گیری خواهد داشت. بنابراین از یک طرف، کشورهای حوزه یورو که با بحران اقتصادی دســـت‌به‌گریبان هســـتند در جایگزین کردن نفت ایران با مشکل بسیاری مواجه شده و از طرف دیگر، ایالات متحده امریکا که به‌تنهایی ۲۲/۵ درصد نفت تولیدی جهان را مصرف می‌کند، هزینه‌های بیشـــتری متحمل خواهد شـــد (جهرمی و رضایی‌صدرآبادی، ۱۳۸۹: ۲۲٤).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

نتیجه‌گیری

انرژی هسته‌ای در میان انرژی‌های جدید برای کشوری به‌مانند ایران که دارای انرژی فسیلی نفت و گاز فراوان است، از دو جهت حائز اهمیت است: از یک سو، تضمینی برای آینده و فردای پس از انرژی فسیلی است تا همگان و به‌ویژه نسل‌های بعد، بتوانند از آن استفاده نمایند؛ از سوی دیگر، ایران به‌واسطه استفاده بهینه از دو انرژی مذکور (فسیلی و هسته‌ای) می‌تواند گام‌های بلندتری در راه تحقق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بردارد.

با توجه به اینکه احساس محرومیت ابتدا در ذهن افراد شکل می‌گیرد، می‌توان عنوان کرد که مردم و دولت ایران با توجه به نادیده گرفته‌شدن خواسته‌ها و مواردی که ـ به‌ویژه در زمینه هسته‌ای ـ خود را مستحق دستیابی و پیشرفت در آن می‌دانند، از سوی نظام ناعادلانه بین‌الملل، دچار احساس محرومیت شده‌اند. بنابراین، زمانی که ایران به تکنولوژی هسته‌ای دست یافت، نوع محرومیت با توجه به نظریه گر به محرومیت نسبی صعودی تبدیل شد؛ یعنی از این دوره به بعد با کمی تغییرات و رشد ایجادشده، انتظارات و توانایی‌ها به‌صورت همسان و هماهنگ با هم روند صعودی را طی می‌کردند، بدون اینکه تعارضی با هم داشته باشند، اما پس از گذشت چند سال ما شاهد تحریم‌هایی از جانب کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا بودیم که باعث شد توانایی و امکانات، این بار از سوی مجامع جهانی متوقف شوند، اما انتظارات مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران ثابت ماند. لذا در این شرایط، نوع محرومیت به محرومیت نسبی نزولی تغییر پیدا کرد. این عدم تطابق بین انتظارات و امکانات یا توانایی‌ها، خود را به‌شکل مخالفت ایران با هژمونی آمریکا نشان داده است.

ایران با وجود دارا بودن توانایی‌ها و امکانات مورد نیاز، به‌دلیل تحریم‌های اقتصادی، از فرصت و امکاناتی که می‌تواند به‌دست آورد محروم می‌شود. این عدم توجه به خواسته‌های یک کشور، همواره از عوامل اساسی در برانگیختن مردم محسوب می‌شود و محرومیت و عدم دستیابی به خواسته‌ها می‌تواند تداعی‌گر خشم یا اعتراضات عمومی باشد. گواه این مدعا را می‌توان در نظرسنجی‌های دو مؤسسه آمریکایی گالوپ و زاگبی در حمایت مردم ایران از برنامه هسته‌ای مشاهده کرد. چه اینکه مرکزیت هویت اسلامی یعنی مرکزیت نظری و عملی نظام و بینش معرفتی اسلام در هویت فرهنگی ایرانیان، بر پایه تحلیلی تاریخی با هسته سخت آن که هویت شیعی است پیوند می‌خورد. لذا هویت اسلامی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

شیعی در هویت فرهنگی ایرانیان دو روی سکه به‌حساب می‌آیند. بر این اساس، مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به رفتار این کشور در زمینه هسته‌ای تقدم وجودی و زمانی داشته و قوام‌دهنده رفتار این کشور در این زمینه هستند.

به‌طور کلی، پی‌گیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای با توجه به محاسن آن، در تعقیب رشد و توسعه اقتصادی به‌عنوان هدف اصلی سیاست خارجی ایران می‌تواند منافع ملی کشور را به‌خوبی تأمین کند و سرمایه‌های مادی و انسانی کشور را در راه بهبود وضعیت مادی و معنوی جامعه بسیج کند. نکته قابل ذکر دیگر آن است که با وضع تحریم‌ها علیه ایران، اگرچه ایران تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا دچار وضعیت ناامنی می‌گردد و یا اینکه بخش‌هایی از اهداف و منافع ملی‌اش دچار رکود می‌شود، این امر برای سایر بازیگران به‌ویژه قدرت‌های بزرگ ایجاد امنیت نمی‌کند؛ زیرا محدودیت‌های فراگیر منجر به واکنش غیرقابل پیش‌بینی و به‌کارگیری ابزارهای سیاسی همچون نفت و بستن تنگه هرمز به‌عنوان یک شاه‌راه انتقال انرژی، برای تحقق اهداف و تأمین مطالبات سیاسی به‌عنوان استراتژی تهدید در برابر تهدید می‌گردد.

در حال حاضر نیز تأکید ایران بر حقوق هسته‌ای و تلاش برای ادامه روند غنی‌سازی اورانیوم مطابق با قواعد و مقررات بین‌المللی، نشان‌گر انتظاراتی است که از خود دارد. از طرف دیگر، می‌توان ایستادگی و مقاومت ایران را در قبال فشارهای سیاسی و اقتصادی نمونه‌ای از ماهیت اسلامی و استقلال‌خواهی موجود در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران دانست. لذا با توجه به عناصر زنده و فعال موجود در فرهنگ سیاسی، ایران که تحریم‌ها را مانعی در مسیر تحقق انتظارات و احساس محرومیت نسبی قلمداد می‌کند، در واکنش به نظام بین‌الملل به‌خصوص آمریکا، اقتصاد مقاومتی و تلاش برای خودکفایی و توانمندی تا تحقق یک آرمان ملی و انتظار ارزشی که همانا دست‌یابی به توانمندی صلح‌آمیز هسته‌ای در جهت حفظ حاکمیت ملی باشد را دنبال می‌نماید.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

کتابنامه

اسکاچپل، تدا(۱۳۸۷). «تبیین انقلاب‌ها: در جستجوی رویکرد اجتماعی ـ ساختاری»، در: کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، **نظریه‌های بنیابینی جامعه جامعه شناختی**، تهران: نشر نی.

آزر، ادوارد و چونگ این مون (۱۳۷۹). **امنیت ملی در جهان سوم**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

آشنا، حسام‌الدین و محمدرضا روحانی (۱۳۸۹). «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره٤، صص ۱۸۵-۱۵۷.

بولتن ویژه (۱۳۸۳). **ایالات متحده و ایران؛ معمای هسته‌ای**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

پایگاه خبری بولتن نیوز (۱۳۹۲). «زاگبی: حمایت اکثریت قاطع مردم ایران از برنامه هسته‌ای، به معنای بی‌توجهی به نتایج تحریم است»، قابل دسترس در: http://www.bultannews.com/fa/news/181158 (تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۱۰/۲٤).

پایگاه خبری تحلیلی صراط (۱۳۹۲). «نظرسنجی گالوپ/ چند درصد ایرانی‌ها موافق فعالیت هسته‌ای با وجود تحریم هستند؟»، قابل دسترس در: http://www.seratnews.ir/fa/ news/140797 (تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۱۰/۲٤).

پرکویچ، جورج(۱۳۸٤). **برنامه هسته‌ای ایران (۲)؛ روندها و نظرها**، افسانه احدی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

ترابی، قاسم و علیرضا رضایی (۱۳۹۰). «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره چهارم، شماره مسلسل ٥٤، صص ۱٦۲-۱۳٥.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**، تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

جهرمی، سیدجواد و محسن رضایی صدرآبادی (۱۳۸۹)، «سلطه بر نفت جهان»، **راهبرد یاس**، شماره ٤۲، صص ۲٥۳-۲۲٤.

حسینی اسفیدواجانی، سیدمهدی (۱۳۸٤). «پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران در روابط ایران و امریکا»، **اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی**، شماره ۲۲۰-۲۱۹، صص ٥۷-٤۰.

خواجوی، علی(۱۳۹۰). «نگاهی به آثار طرح جدید آمریکا برای تحریم صنعت نفت ایران»، **اقتصاد انرژی**، شماره ۱۳۹ و ۱٤۰، صص ۲۹-۲٦.

دهقانی، رضا (۱۳۹۱)، «الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه»، **پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، شماره٥، صص ۳۹-۱٥.

ربانی، علی و همکاران (۱۳۸۷). «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی؛ مطالعهٔ موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب»، **مسایل اجتماعی ایران**، شماره٦۳،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

صص ٦٩-٣٣.

ربانی، علی و همکاران (١٣٩٠). «رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست و دوم، شماره٤٢، صص ٩٤-٦٧.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (١٣٩٠). **هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

رمضانی، روح‌الله (١٣٨٦). **چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

صادقی، سیدشمس‌الدین (١٣٨٨). «درآمدی بر علل بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی در فرهنگ ایران معاصر»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ١٦، صص١٧٤-١٤٧.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (١٣٦٩). **صحیفه نور؛ مجموعه رهنمودهای امام خمینی**، تهران: انتشارات سروش، ج١٦.

عامری گلستانی، حامد و نفیسه سادات قادری (١٣٩١). «نگاهی گفتمانی به اسلام‌هراسی»، **پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، شماره٥، صص ١٥٣-١٢٩.

عسگرخانی، ابومحمد و محمود بابایی (١٣٩١). «امنیت هستی‌شناختی در خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، **پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، شماره٥، صص ١٧٣-١٥٤.

عسگری، یدالله (١٣٨٥). «بررسی حقوقی عملکرد آژانس در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، شماره٥٥، صص ٦٠-٣٥.

غریب‌آبادی، کاظم (١٣٨٧). **برنامه هسته‌ای ایران؛ واقعیت‌های اساسی**، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

فولر، گراهام (١٣٧٧). **قبلهٔ عالم: ژئوپولیتیک ایران**، عباس مخبر، تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

قاسمی، علی‌اصغر و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (١٣٩٠). «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ٥٩، صص ١٣٨-١٠٧.

قوام، عبدالعلی (١٣٨٦). **روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: انتشارات سمت.

کاستلز، مانوئل(١٣٨٠). **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت**، حسن چاووشیان، تهران: انتشارات طرح نو، ج٢.

گر، تد رابرت (١٣٧٩). **چرا انسانها شورش می‌کنند؟**، علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گلشن‌پژوه، محمدرضا (١٣٨٣). **برنامه هسته‌ای ایران:روندها و نظرها**، تهران: مؤسسه فرهنگی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

گیدنز، آنتونی(۱۳۸۷). **تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چ۵.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). **درآمد نظری بر جنبش‌های اجتماعی**، تهران: معاونت پژوهشی امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷). **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: فرهنگ صبا.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۰). **تأثیر فرهنگ ملی بر رفتار سیاسی ایرانیان**، تهران: انتشارات باز.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). **تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: وزارت امور خارجه.

یوسفی، علی (۱۳۸۰). «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره۸، صص ۴۲-۱۱.

Al Jazeera Center for Studies (2012). "Iran's Strategy under New Sanctions", at: http://studies.aljazeera.net/ResourceGallery/media/Documents/2012/7/31/20127319854941734Irans%20Strategy%20under%20New%20Sanctions.pdf, p.p. 1-5.

Amuzegar, j (2006). "Nuclear iran: perils and prospects", **Middle East Policy**, Vol. 13, No. 2, p.p. 90-112.

Camallonga, José María Viñals & Lismary Suárez González (2012). "New economic sanctions against Iran: oil embargo and freeze of assets", **NEWSLETTER**, p.p. 1-5.

Ratings, Care (2012). "Impact of Iran Crisis", February 28, at: www.careratings.com/Portals/0/.../Impact%20of%20Iran%20Crisis.pdf.

Cordesman, Anthony H and Khalid R. Al-Rodhan (2006). "Iranian Nuclear Weapons? The Uncertain Nature of Iran's Nuclear Programs", at: www.csis.org/burke, p.p. 1-111.

Davidsson, Elias (2003). "Towards an Objective Definition of Economic Sanctions", **unpubl. Manuscript**, p.p. 1-25.

Davies, James C. (1962). "Toward a Theory of Revolution", **American Sociological Review**, Vol. 27, No. 1, p.p. 5-19.

Fass D. A. and R. Larkin (1986). **Beyond Revolution:a New Thery of Social Moements**, South Hadley, MA: Berginand Garyey.

GAO (2007), "Iran Sanctions, Impact in Furthering U.S. Objectives Is Unclear and Should Be Reviewed", from: http://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:LKufQNnAN9oJ:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]

www.gao.gov/new.items/d0858.pdf+&cd=1&hl=en&ct=clnk, p.p. 1-60.

Gurr, Ted Robert (1968b). “A Causal Model of Civil Strife: a Comparative Analysis Using New Indices”, **The American Political Science Review**, Vol. 62, No. 4, p.p. 1104-1124.

Gurr, Ted Robert (1973). "The Revolution; Socia-Change Nextus", **Comparative Politics**, vol. 5, No.3, p.p. 359-392.

Gurr, Ted Robert (1968a). “Psychological Factors In Civil Violenc”, **World Politics**, vol. 20, No.2, p.p. 254-278.

Gurr, Ted Robert (1970). **Why Men Rebel,** Princeton: Princton University Press.

Hadian, Nasser (2004). “Irans Bomb American and Iranian Perspectives”, p.p. 1-67, at: http.www.nixcon center.org/Pablications/monography documents/Board/2003/gov2003-69.Pdf.

Haynes, j. (2008). "Religion and Foreign Policy Making in the USA, India and Iran", **Third World Quarterly**, Vol. 29, No. 1, p.p. 143-165.

House of lords (2007). “The Impact of Economic Sanctions”, **Select Committee on Economic Affairs**, Volume I: Report, p.p. 5-50.

Ilias, Shayerah (2010). “Analyst in International Trade and Finance: Iran’s Economic Conditions: U.S. Policy Issues”, **CRS Report for Congress**, p.p. 1-37.

Jentleson, Bruce W. (2007). “Sanctions against Iran: Key Issues”, **A Century Foundation Report,** p.p. 3-41.

Katzman, Kenneth (2012). “Iran Sanctions”, **Specialist in Middle Eastern Affairs Congressional Research Service**, p.p. 1-79.

Kull, S. (2009). “Iranians Favor Diplomatic Relation With U-S but Have Little Trust in Obama”, at: http://worldpublicopinion.org/pipa/articles/brmiddleeastnafricara/639.php?lb=brme&pnt=639&nid=&id.

Mirbaghari, F. (2004). "Shirism and Irans Foreign Policy", **the Moslim World**, Vol. 94, No. 3, p.p. 555-563.

Moshirzadeh, homeira (2007). “Discursive Foundations of Iran’s Nuclear Policy”, **Security Dialogue**, Vol. 38, No. 4, p.p. 521-543.

Rashid M. A, and A. Kinjo (2009). “Modeling and Analysis of Iran’s Nuclear Conflict”, **IJCSNS International Journal of Computer Science and Network Security**, VOL. 9, No.11, p.p. 31-38.

Krause, Joachim & mallory IV, Charles King (2010). "The Strategic Implicationsof the Iranian Nuclear Program", **Aspen Euroean Strategy Forum**, p.p. 1-156.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-03021]